سینما

پوست‌اندازی سینما

تا پیش از کرونا کسی فکرش را هم نمی‌کرد مناسبات و سازوکار صنعت سینمای جهان، با شیوع یك بیماری دستخوش تغییر شود. اما مدتی است که کووید-۱۹ همان‌طور که به‌شکل جدی کسب و کار و اقتصاد جهانی را تهدید می‌کند، صنعت سینما را هم با چالش و خطری جدی مواجه کرده است. سینمای جهان که پیش از این سراغ اکران آنلاین رفته بود، حالا جدی‌تر و با فکر و برنامه بهتری این امکان نمایشی را دنبال می‌کند، اما سینمای ایران که بخش صنعتی‌اش با مشکلات اساسی دست و پنجه نرم می‌کند، هیچ‌گاه تا قبل از کرونا، اکران آنلاین را جدی نمی‌گرفت و همه تمرکز نمایشی‌اش را روی سالن‌های سینما گذاشته بود. شیوع کرونا و تعطیلی درازمدت سالن‌های سینما که همچنان ادامه دارد، برخی سینماگران را به تکاپو انداخت تا چاره‌ای برای این اوضاع بیاندیشند.

در انفعال و عدم فکر و برنامه‌ریزی درست سازمان سینمایی و وزارت ارشاد برای برون‌رفت از اوضاع بحرانی سینما، این سازمان هنری رسانه‌ای اوج بود که جسورانه نخستین گام‌ها را برای مقابله با این وضعیت پرچالش برداشت.

بنا به تصمیم ابراهیم حاتمی‌کیا، کارگردان «خروج» و اوج - که تولیدکننده اثر بود - این فیلم راهگشای سینمای ایران در دوران کرونا شد و نخستین فیلم ایرانی لقب گرفت که به شکل آنلاین به‌نمایش درآمد. خروج در ادامه هم با شیوه «سینما ماشین» (درایوین سینما) اکران شد که این روش پس از انقلاب سابقه نداشته است.

در نشست اخیر که با حضور رامتین شهبازی (منتقد سینما)، محمد ذوقی (دستیار ارشد موسسه اوج) و امیررضا نوری پرتو (پژوهشگر و مدرس سینما) برگزار شد، بحث‌های خوبی درباره تجربه نمایش آنلاین، تربیت مخاطب آنلاین، سازوکار تولید و انطباق با این شیوه نمایشی، توجه به زیرساخت‌ها، حذف انحصار در سینمای ایران و ایجاد رقابت میان فیلمسازان و تنوع ژانرهای سینمایی شکل گرفت.

واقعه

استغفار یغمایی از چاپ یک مطلب

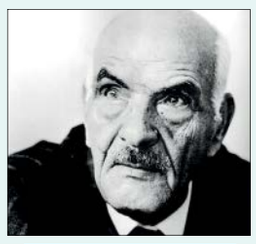

بیست‌وچهارم اردیبهشت‌ماه سالمرگ استاد حبیب یغمایی است

بدون‌شک بزرگ‌ترین خدمت حبیب یغمایی به زبان فارسی، چاپ و نشر مرتب مجله یغما طی ۳۱ سال است. در دوره رونق و موفقیت یغما، دکتر مهدی حمیدی شیرازی که معرف حضور اهل ادب است، سلسله مقالاتی با عنوان «عطار در مثنوی‌های گزیده او و گزیده مثنوی‌های او» در یغما می‌نوشت. او در این مقالات با تندترین زبان عطار را نقد کرد و او را شاعری پرگو و کم‌اندیش لقب داد و شهرتش را نه نشأت گرفته از کیفیت واقعی و ارزش هنری اشعار و افکارش که مبتنی بر وهم و تقلید عام دانست. این جمله از حمیدی در ذهن مخاطبان یغما در آن اوان مانده است: «عطار در قسمت عمده مثنوی‌های خویش هم سخن بد گفته است و هم بد سخن گفته است». این مقالات واکنش‌های شدیدی برانگیخت. یغمایی نامه‌ای کوتاه از «یحیی ریحان» در اعتراض به این مقالات منتشر کرد. یغمایی پاسخی کوتاه و سنجیده به این اعتراض‌ها داد که همین چند سطر از نقاط برجسته کارنامه مجله‌نگاری اوست. نوشت: «در چاپ مقاله دکتر حمیدی به عطار از اطراف و اکناف نامه‌ها نوشتند و سرزنش‌ها کردند و ناروا‌ها نثارمان فرمودند که جز این انتظاری نبود. از نظر آزادی بیان مجله یغما را چندان گناهی نیست زیرا دکتر مهدی حمیدی «استاد دانشگاه» ماست و همین مطالبی که می‌نویسد، به فرزندان ما می‌آموزد. بحث در موضوعی ادبی در دانشگاه جایز است اما در مجله ادبی جایز نیست؟ یک بام و دو هوا که نمی‌شود! از اولیای دانشمند دانشگاه چون: بدیع‌الزمان فروزانفر، مینوی، دکتر صفا، دکتر معین، جلال‌الدین همایی و دیگر اساتید انتظار است نظر خود را صریحا مرقوم دارند چه مسؤول و داور واقعی در مباحث ادبی همین بزرگانند...» این ماجرا در نهایت به این ختم می‌شود که حمیدی شیرازی از ادامه تحریر مقالات منصرف می‌شود و انتشار مقالات عطار در یغما خاتمه می‌یابد. اما ماجرا هنوز تمام نشده! سال‌ها بعد از این ماجرا، حبیب یغمایی درباره عطار مطلبی نوشت با عنوان «توبه و استغفار» که بد نیست این بخش از آن را بخوانید: «در چند سال پیش دکتر حمیدی شیرازی - شاعر و استاد معاصر- مقالاتی در انتقاد از آثار عارف بزرگ عطار نیشابوری در مجله یغما به چاپ رساند. فضل‌ا... شرقی، مدیر روزنامه پارس شیراز که عارفی پاک نهاد و مسلمان به تمام معنی است، در ضمن گفت‌وگوها فرمود: «تو و دکتر حمیدی که بینایی خود را از دست داده‌اید برای این است که به شیخ عطار جسارت روا داشته‌اید. بروید توبه و استغفار کنید که همین مختصر دیدتان هم از دست نشود».

این سخن بر من کارگر افتاد. توبه و استغفار کردم. نمی‌دانم استاد دکتر حمیدی چه بگوید و چه کند».

صف‌های تظاهرات مردم قبل از انقلاب چهره‌های مبارزی را پشت سر خود داشت که کمتر می‌شناسیم شان. رفتیم سراغ این چهره‌ها تا از ماه رمضان‌های مبارزه بگویند ۱۴

پژوهشگران تاریخ معاصر از وقایع انقلاب در ماه مبارک رمضان می‌گویند

ختم قرآن در انفرادی!

در نماآهنگی که اخیرا منتشر شده، شهید سلیمانی شعری را با چشمانی اشکبار می‌خواند و حالا ما با شاعر آن گفت‌وگو کرده‌ایم

روایت اشک‌های سردار

گروه ادبیات و هنر

غزلی که سیدمحمدمهدی شفیعی برای مدافعان حرم سروده این روزها در فضای مجازی دست به دست می‌شود. ماجرا از این قرار است که شهید قاسم سلیمانی در ابتدای یکی از مراسم یادواره شهدای مدافع حرم، غزل شفیعی را با اشک و بغض بسیار قرائت می‌کند و کلیپ تاثیرگذار این شعرخوانی به تازگی منتشر شده است. شفیعی سال ۹۵ این غزل را در دیدار شاعران با رهبر معظم انقلاب هم قرائت کرده بود و ایشان هم بسیار این شعر را پسندیده و شاعرش را مورد لطف قرار داده بودند. سراغ این روحانی جوان خوزستانی رفته‌ایم تا ماجرای سرایش این شعر را جویا شویم.

ماجرای سرودن این غزل چیست؟

این شعر را اوایل زمستان ۹۴ نوشتم، در همان ایام یکی از بچه‌های مدافع حرم خوزستان با من تماس گرفت و خبر داد که قرار است در خوزستان محفل کوچک و صمیمانه‌ای با حضور ۱۰، ۱۲ نفر از خانواده‌های شهدای مدافع حرم برگزار و از آنها تجلیل کنند. آن دوست در ادامه تاکید کرد که این جلسه یک محفل کاملا خصوصی بوده و از من دعوت کرد تا در این برنامه شعری بخوانم. من هم با کمال میل پذیرفتم. خاطرم هست که برنامه صبح روز جمعه قرار بود برگزار شود و من شب جمعه‌ای که قرار بود فردایش در برنامه شرکت کنم، با خودم فکر می‌کردم که چه شعری بخوانم. البته شعر با موضوع مقاومت و شهدا زیاد داشتم اما احساس می‌کردم باید شعر دیگری بنویسم تا درخور نام و جایگاه خانواده شهدای مدافع حرم به‌خصوص مادران محترم این شهدا باشد. هرچند در آن جلسه مخاطب تخصصی ادبیات حضور نداشت، اما بدون تعارف این حس را داشتم که شعرهایم، در شان این برنامه نیست. این شد که تصمیم گرفتم همان شب، شعری برای اجرا در برنامه بنویسم، منتها هرچقدر تلاش کردم و طبعم را به کار گرفتم، نتوانستم چیزی بنویسم. آن شب گذشت و فردایش حوالی ساعت ۱۰ صبح به شهدایی که این برنامه به نامشان مزین شده بود توسل کرده و تلاش کردم چیزی بنویسم. یادم هست که آن موقع دو سه بیت از این غزل را نوشتم و چون وقت خیلی کم بود، راه افتادم و سوار ماشین شدم و الباقی غزل را پشت فرمان و در حین رانندگی برای رسیدن به برنامه نوشتم! به این شکل که بیت را می‌گفتم و با گوشی موبایل ضبط می‌کردم. هنگامی که به محل برگزاری برنامه رسیدم، بیت‌ها را روی کاغذ پیاده کردم. این شد که این غزل به برکت نام و تجلیل از خانواده شهدای مدافع حرم متولد شد.

کوه باشی، سیل یا باران... چه فرقی می‌کند
سرو باشی، باد یا طوفان... چه فرقی می‌کند؟
مرزها سهم زمین‌اند و تو اهل آسمان
آسمان شام با ایران چه فرقی می‌کند؟
قفل باید بشکند باید قفس را بشکنیم
حصر «الزهرا» و «آبادان» چه فرقی می‌کند؟
مرز ما عشق است هر جا اوست آنجا خاک ماست
سامرا، غزه، حلب، تهران چه فرقی می‌کند؟
هر که را صبح شهادت نیست شام مرگ هست
بی‌شهادت مرگ با خسران چه فرقی می‌کند؟
شعله در شعله تن ققنوس می‌سوزد ولی
لحظه آغاز با پایان چه فرقی می‌کند؟

شما شهید سلیمانی را از نزدیک دیده بودید؟ چه زمانی متوجه شدید که ایشان شعر شما را خوانده‌اند؟

حاج قاسم را که توفیق نداشتم ببینم. اما اولین بار اگر اشتباه نکنم در سال ۹۶، یکی از دوستانم در کرمان تماس گرفت و گفت: خبر داری حاج قاسم شعرت را خوانده؟ گفتم نه! گفت: بله خوانده البته رسانه‌ای نشده و گویا خود حاج قاسم هم نخواسته که رسانه‌ای شود. (گویا به این خاطر که وقت خواندن شعر اشک می‌ریخته) آن دوستم می‌گفت که گویا در ابتدای برنامه‌ای که برای بزرگداشت شهدای مدافع حرم بوده، حاج قاسم شعر را خوانده و تحسین کرده و اشک هم ریخته است. به من قول داد فیلم این برنامه را از دست اندرکاران بگیرد که طبیعتا به خاطر مواردی که عرض کردم نتوانست. بنابراین من خبر داشتم که شعرم را ایشان خوانده‌اند، اما فیلم یا صوتی از آن جلسه نداشتم.

شما این شعر را در محضر رهبر معظم انقلاب هم خوانده‌اید و علاوه بر شهید سلیمانی، ایشان هم این شعر را تحسین کرده‌اند. به نظر شما چه عاملی در این شعر وجود دارد که این دو انسان بزرگ را -که اتفاقا سخن‌شناسان خوبی هم بودند و هستند- تحت تاثیر قرار داده است؟

این که چه عاملی وجود داشته را حقیقتا نمی‌دانم، اما همه اتفاقاتی را که برای این شعر شکل گرفت لطف خدا و عنایت شهدا می‌دانم. اما احتمالی که می‌دهم این است که ما در شعرهایی که برای مقاومت و شهدا سروده شده است، غالبا وجه عاطفی را بیشتر از سایر وجوه شعری می‌بینیم. اما به ابعاد اعتقادی و نوع تفکر ما در حوزه دفاع و مقاومت و جهان‌بینی فکری کمتر توجه می‌شود. سال ۹۵ هم که من این شعر را در دیدار شاعران با رهبر انقلاب قرائت کردم هم ایشان در صحبت‌های انتهای جلسه اشاره‌ای به این شعر داشتند و بیان کردند که چرا وزارت ارشاد، صدا و سیما و سایر نهادهای فرهنگی به چنین اشعاری کمتر توجه می‌کنند.

به جای خوبی رسیدیم. از شعرخوانی‌تان در این دیدار بگویید.

شعرخوانی خدمت رهبر معظم انقلاب ویژگی‌های خاص خودش را دارد. در آن جلسه یک خوف و رجایی وجود دارد، خصوصا برای شاعر جوانی چون من که اولین بار هم بود توفیق شعرخوانی را به دست می‌آوردم. هم اضطراب خیلی زیادی داشتم که بتوانم اجرای خوبی داشته باشم و هم شوق داشتم و امیدوار بودم که در محضر کسی شعر می‌خوانم که خودش ادیب و سخن‌شناس بزرگی است. آنچه یادم مانده و برایم در آن جلسه محسوس بود، این است که قبل از جلسه اضطراب و استرس زیادی داشتم اما به محض شروع شعرخوانی و با دریافت اولین تصدیق‌ها و تاییدها از طرف آقا، تمام فشاری که رویم بود برطرف شد.

از واکنش مردم به شعرتان بگویید.

بعد از شعرخوانی در محضر رهبر معظم انقلاب، واکنش‌های بسیار جالبی را از طرف مردم دیدم. هرازگاهی که در حرم‌های مطهر یا مساجد و حسینیه‌ها، یا قبل از برنامه‌های شعرخوانی حضور پیدا می‌کردم با واکنش مردم به این شعر مواجه می‌شدم که بعضی از بازخوردها بسیار خوشحال‌کننده بود و مرا سرذوق می‌آورد، بعضی از آنها هم بسیار متاثرکننده بود. یادم هست که بعد از یکی از جلسات شعرخوانی، جوانی جلو آمد و همان‌طور که به خاطر شعرم از من تشکر می‌کرد، به پهنای صورت اشک می‌ریخت و می‌گفت: «من به‌خاطر این شعر خیلی برای شما دعا کرده‌ام. من در عملیات شکست حصر الزهرا(س) حضور داشته‌ام و تعدادی از دوستانم در این عملیات شهید شده‌اند. با همه سختی‌ها و شهدای عزیزی که در این عملیات به شهادت نائل شدند، حرفی از این عملیات مهم و کلیدی در رسانه‌ها زده نشد. وقتی اسم آن عملیات را در شعرت شنیدم و بعد هم در پرداختن رسانه‌ها به این شعر را دیدم، احساس کردم غربت این عملیات و شهدای والامقام آن تا حدودی برطرف شد و برایت خیلی دعا کردم.» این اتفاق باعث خوشحالی من شد و هیچ چیز برای من خوشایندتر از این نیست که مدافعان حرم از من راضی و خوشحال باشند و دعایم کنند. من پیش از انتشار کلیپ شعرخوانی حاج قاسم هم تجربه غیررسانه‌ای چنین اتفاق‌هایی و اقبال مدافعان حرم به شعرهایم را داشته‌ام و خدا را به خاطر این اتفاق همواره شکر می‌کنم.

شرکت مخابرات ایران منطقه کرمان (سهامی عام)

آگهی مناقصه شماره ۳۵/۱۱-۹۹

یک مرحله‌ای

شرکت مخابرات ایران(منطقه کرمان) در نظر دارد، **تعداد ۴۸ سلول با تری ۲ ولت ۳۰۰۰ آمپر ساعت سیلد مورد نیاز خود را از طریق برگزاری مناقصه خریداری نماید.** لذا کلیه تولید کنندگان داخلی فعال در این زمینه که دارای تاییدیه از شرکت مخابرات ایران می باشند، می توانند حداکثر تا مورخ **۹۹/۰۲/۳۱** با واریز مبلغ **۶۰۰هزار ریال** به شماره حساب **۰۱۰۶۰۴۱۷۱۷۰۰۴ سیبا بانک ملی** جهت دریافت اسناد مناقصه به نشانی: کرمان، بلوار جمهوری اسلامی، خیابان امام جمعه، خیابان شهید نامدار محمدی شرقی، ساختمان مرکزی مخابرات طبقه دوم، اداره پشتیبانی و تدارکات مراجعه و یا از طریق نمابر با ارسال درخواست و تصویر رسید حواله وجه پرداخت شده اقدام نمایند.

● در ضمن هزینه نشر آگهی به عهده برنده مناقصه می باشد.

زمان تحویل پاکات: مورخ ۱۳۹۹/۰۳/۱۹
زمان بازگشایی پاکات: مورخ ۱۳۹۹/۰۳/۲۰
شماره تماس: ۰۳۴-۳۱۲۲۸۸۱۲ - ۰۳۴-۳۱۲۲۸۲۲۵
شماره نمابر: ۰۳۴-۳۱۲۲۸۲۳۶ - ۰۳۴-۳۱۲۲۸۲۲۶
سایت اینترنتی: www.Kermantel.ir یا www.Tci.ir

شرکت مخابرات ایران (منطقه کرمان) (سهامی عام)

آگهی مناقصه عمومی
خرید و انجماد آب معدنی (نوبت دوم)

شماره ۱۰۱-۲-۳-۹۹

شرکت راه‌آهن شرقی بنیاد در نظر دارد، **خدمات خرید و انجماد و تحویل آب‌معدنی ۲،۵۰۰،۰۰۰ بطری در تمامی ایستگاه‌های راه‌آهن مبادی حرکت قطارهای مسافری شرکت را از طریق برگزاری مناقصه عمومی به یک شرکت یا تامین‌کننده معتبر و واجد شرایط** واگذار نماید.

● متقاضیان می‌توانند با واریز مبلغ **دویست هزار ریال** به حساب شماره ۳۹۲-۸۱۴-۸۸۹۲۱۲۳-۱ نزد بانک سینا شعبه پارک ساعی، از تاریخ درج آگهی به مدت **۱۰** روز (به جز **پنجشنبه** و **جمعه**) از ساعت **۸** صبح الی **۱۶** جهت دریافت و همچنین تحویل اسناد مناقصه در مدت مذکور به آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری بعد از تقاطع شهید مفتح، سمت چپ نرسیده به خیابان جهانتاب، پلاک ۱۷۳، طبقه دوم واحد امور قراردادها مراجعه و یا جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره **۸۶۱۲۱۴۸۰** تماس حاصل فرمایند.